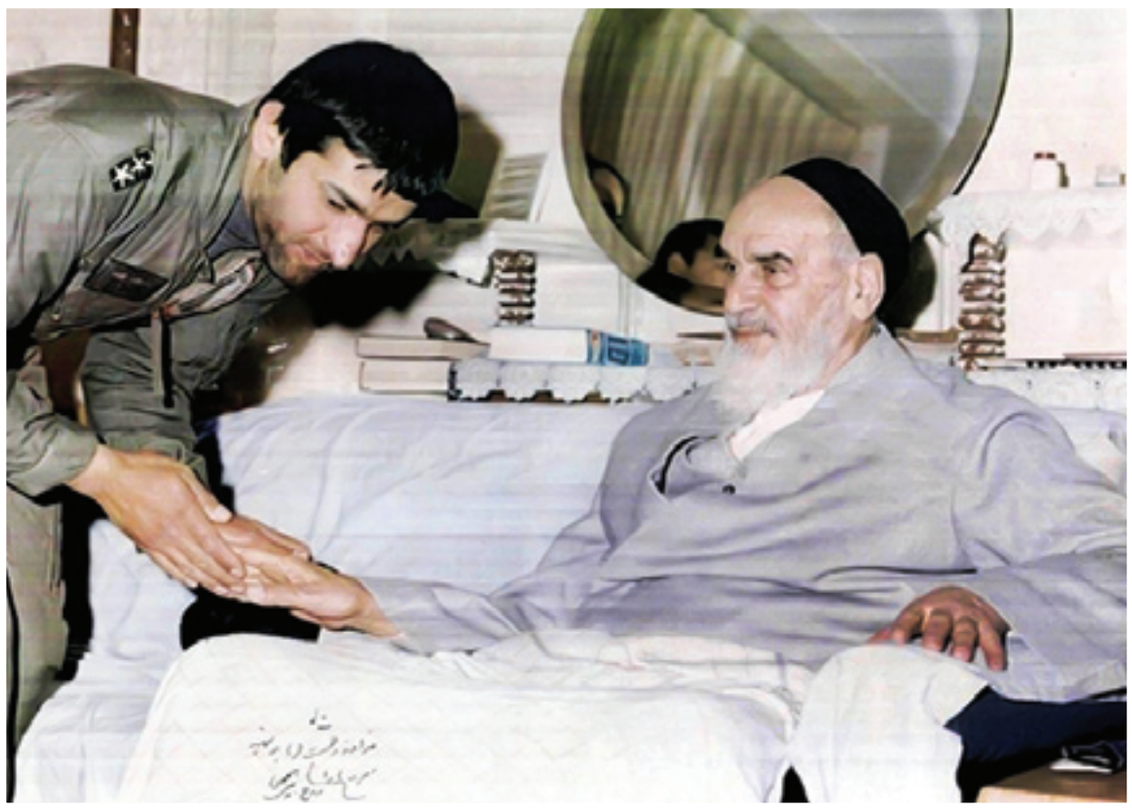

گفت‌وگوی «جوان» با همرزم خلبان امیر شهید عباس بابایی
به مناسبت سالروز شهادتش در سال ۱۵مرداد ۱۳۶۶

آسمان خیبر با ابتکار شهید بابایی امن شده بود

■ علیرضا محمدی

امیرحسین خلیلی از اولین خلبان‌هایی بود که با ابتکار شهیدعباس بابایی در ایران آموزش کار با جنگنده اف۱۴ را پشت‌سر گذاشت. پس از پیروزی انقلاب که مستشاران امریکایی کشورمان را ترک کردند، کسی فکرش را نمی‌کرد که در داخل ایران و با توان اساتید ایرانی بتوانیم خلبان اف۱۴ تربیت کنیم، اما شهید بابایی که شعار «ما می‌توانیم» حضرت امام(ره) را با دل و جان پذیرفته بود، تصمیم به انجام این کار گرفت و امیر خلیلی نخستین فردی بود که قرعه به نامش افتاد تا همراه سه نفر دیگر کار با جنگنده اف۱۴ را یاد بگیرند. به مناسبت فرارسیدن ۱۵مرداد که مصادف با سی و هفتمین سالگرد شهادت امیرعباس بابایی است، خاطراتی از او را در گفت‌وگو با همرزم و شاگردش امیرحسین خلیلی پیش‌رو دارید.

دوران همرزمی‌تان با شهید بابایی از چه زمانی رقم خورد؟

جنگ تحمیلی تازه شروع شده بود که به ما به عنوان خلبان جنگنده اف۵ مأموریت دادند تا به کمک جنگنده‌های اف۱۴ مستقر در پایگاه هشتم شکاری اصفهان برویم. قرار بود ما به حراست از پالایشگاه اصفهان و دیگر تأسیساتی که نیاز به برد پروازی کم داشت برویم تا اف۱۴ها بتوانند مسافت‌های دورتری را بروند و مأموریت‌های راهبردی انجام بدهند. شهید عباس بابایی در پایگاه شکاری هشتم معلم خلبان بود. همان‌جا با ایشان آشنا شدم و افتخار همرزمی و البته شاگردی شهید بابایی نصیبم شد. یک روز ایشان به من گفت دوست داری جنگنده اف۱۴ را ببینی؟ با اشتیاق پذیرفتم و ایشان من را راهنمایی کرد تا با هم این جنگنده را از نزدیک ببینیم. اف۱۴ از لحاظ مکانیکی و سیستم الکترونیکی بسیار با جنگنده اف۵ فرق داشت. همان‌جا هم شیفته کار با اف۱۴ شدم و هم شیفته مرام و اخلاق این شهید بزرگوار.

پس شما در ابتدا خلبان اف۵ بودید، بعد قرار شد که آموزش با اف۱۴ را یاد بگیرید؟

همه ما که خلبان اف۱۴ شدیم (حتی خود شهیدبابایی) در ابتدا خلبان جنگنده اف۵ بودیم. پیش از انقلاب و بعد از اینکه نیروی هوایی تعدادی جنگنده اف۱۴ خرید، قرار شد تا تعدادی از خلبان‌های اف۵ آموزش کار با اف۱۴ را زیر نظر اساتید امریکایی پشت‌سر بگذارند. شهید بابایی جزو کسانی بود که در زمان شاه این آموزش‌ها را پشت‌سر گذاشت و خودش معلم خلبان اف۱۴ شد. بعد از پیروزی انقلاب که امریکایی‌ها از ایران رفتند، کسی فکرش را نمی‌کرد که در داخل کشور و با دستورالعمل اساتید ایرانی بتوانیم اف۱۴ را آموزش بدهیم. چون بسیار حساس بود، اما یکسال بعد از حضور ما در پایگاه شکاری اصفهان که شهید بابایی فرمانده این پایگاه شد، تصمیم گرفت آموزش عملیاتی اف۱۴ را برای خلبان‌های جوان‌تر برگزار کند. در ابتدا مخالفت‌هایی هم شد، چون قبل از انقلاب ما دو سانحه مربوط به آموزش این جنگنده‌ها داشتیم و دوستان می‌گفتند آموزش اف۱۴ حساس و خطرناک است. شهید بابایی روی حرفش ایستاد و اتفاقاً اولین قرعه به نام من افتاد تا در کلاس‌های آموزشی شرکت کنم. بعد سه نفر دیگر هم به کلاس اضافه شدند که از جمع چهار نفره ما دو نفر به نام‌های شهیدان شادنژاد و بی‌طرف در دفاع‌مقدس به شهادت رسیدند. علیرضا بی‌طرف اواخر تیر سال ۶۶ شهید شد، یعنی به فاصله دو هفته قبل از شهادت عباس بابایی.

نتیجه آموزش‌هایی که با ابتکار شهید بابایی صورت گرفت، چه بود؟

ثمره این دوره‌های آموزشی تربیت خلبان‌های توانمندی بود که برخی از آنها در همان زمان جنگ وارد عملیات شدند و با به پرواز درآوردن جنگنده‌های اف۱۴، ضربات سختی به دشمن وارد کردند. اینجا باید یادی کنم از اساتیدی که در آن دوره‌ها ما را آموزش می‌دادند. افرادی مثل شادروان هزیم، جناب شکرایی‌فر که هنوز هم هستند و دست‌شان را می‌بوسم. یدالله خان‌خلیلی، شادروان شهید آل‌آقا، شادروان طحانی و... امیر نصیرزاده که اکنون جانشین ستاد کل نیروهای مسلح هستند، از جمله افرادی‌اند که از سوی شهید بابایی و دیگر اساتید این دوره‌های آموزش کار با اف۱۴ را آموختند. یا من خودم به همراه یکی از شاگردان تربیت شده دوره‌های خلبانی به نام داخل کشور ستوان دوم مصطفی قیاسی توانستیم سه فروند از هواپیمای دشمن را ساقط کنیم؛ اینها همه از ثمرات آموزش‌های شهید بابایی بود.

> آموزش پرواز با جنگنده اف۱۴ را بعد از پیروزی انقلاب شهید عباس بابایی پایه‌گذاری کرد. برخی می‌گفتند بدون دستورالعمل امریکایی‌ها نمی‌شود آموزش اف۱۴ داد، اما عباس بابایی معتقد بود با توان داخلی می‌شود این کار را انجام داد و نهایتاً هم حرف ایشان درست بود. خیلی از ما دست پرورده کلاس‌های آموزشی هستیم که از سوی بابایی بنیانگذاری شد

امیر خلیلی همرزم شهید بابایی

> ایثار نکته بارز شهید بابایی بود. خیلی وقت‌ها پیش می‌آمد یک ماه در جبهه می‌ماند، اما وقتی که به تهران می‌آمد، به خانه‌شان نمی‌رفت. به او می‌گفتیم چرا به خانه‌تان نمی‌روی و به خانواده سر نمی‌زنی، آنها دلتنگ شما هستند، مدت زیادی از خانه دور بودید، در جواب می‌گفت از خانواده شهدا خجالت می‌کشم

در صحبت‌های‌تان گفتید که شهید بابایی فرمانده پایگاه هشتم شکاری اصفهان شدند، این پایگاه چه ویژگی‌هایی داشت؟

در آن زمان پایگاه هشتم شکاری بزرگ‌ترین پایگاه شکاری در خاورمیانه بود. اکثر جنگنده‌های اف۱۴ در آنجا مستقر بودند. شهید بابایی در زمانی که این مسئولیت را برعهده گرفت شاید فقط ۳۰ سال داشت، اما آنقدر توانایی داشت که به خوبی توانست این پایگاه را اداره کند. در ۳۲ سالگی‌اش هم معاونت عملیات کل نیروی هوایی برعهده ایشان گذاشته شد. در حقیقت هرچه عملیات در نیروی هوایی صورت می‌گرفت، هرچه پرواز یا هرگونه پدافندی انجام می‌شد، زیرنظر معاونت عملیات بود که در سال ۶۲ این مسئولیت خطیر بر دوش شهید بابایی قرار گرفت. ما خیلی در مورد خصوصیات اخلاقی شهید شنیده‌ایم. بله ایشان بسیار آدم اخلاق‌مدار و مؤمنی بود، اما در کنارش تخصص و تبحر و علم لازم را هم داشت. به قول معروف صرفاً با سلام و صلوات کار را پیش نمی‌برد، بلکه هم شنوای سخنان افراد متخصص می‌شد، هم شنوای سخنان افراد معتقد. بعد از میان این صحبت‌ها، یک راهبرد را بیرون می‌آورد و همین راهبرد را تبدیل به طرح و نهایتاً عمل می‌کرد.

شهید بابایی در سمت معاون عملیات نیروی هوایی چه ابتکاراتی انجام دادند؟

کارهایی که ایشان انجام دادند، بسیار زیاد است. من به دو نمونه آن اشاره می‌کنم. قبلاً عرض کردم که اغلب جنگنده‌های اف۱۴ در پایگاه اصفهان مستقر بودند. این جنگنده‌ها برای حراست از مناطقی مثل جزیره خارک یا شناورهای خودی در خلیج‌فارس نیاز به مدت پروازی زیادی داشتند، اما شهید بابایی یک گردان از اف۱۴ها را برد و در بوشهر مستقر کرد. آن زمان اینطور استنباط می‌شد که سایت‌یابی اف۱۴ در اصفهان است و وقتی که خود امریکایی‌ها پایگاه هشتم شکاری را برای استقرار این جنگنده‌ها در نظر گرفته‌اند، ما چطور می‌توانیم آنها را به جای دیگری منتقل کنیم، اما شهید بابایی گفت، می‌شود و همین کار را هم با موفقیت انجام داد. با رفتن تعدادی از اف۱۴ها به بوشهر، هم از مدت زمان پرواز آنها به میزان قابل‌توجهی کم شد و هم زمان آماده‌شدن این جنگنده برای بلندشدن از روی زمین کاهش پیدا کرد. در زمان عملیات خیبر هم شهید بابایی تعدادی از جنگنده‌ها را برای کمک به روند عملیات به آسمان منطقه فرستاد. خب آنجا به خاطر وجود منطقه هور و عمق عملیاتی زیادی که داشت، رادارها نمی‌توانستند مستقر شوند. از طرفی چون خلبان اف۱۴ تنها می‌تواند جلوی خودش را ببیند، امکان ضربه‌زدن دشمن به این جنگنده از پشت‌سر زیاد بود. بنابراین در نبود رادار، ما باید از طریق بیسیم خلبان را هدایت و او را متوجه خطرات پیرامونش می‌کردیم. به همین خاطر انتقال جنگنده‌ها به آسمان منطقه عملیاتی خیبر کار بسیار حساسی بود که شهید بابایی انجام داد. در این عملیات هرچند در سطح زمین و همین طور جنگ در هور ناکامی‌هایی پیش آمد، اما آسمان منطقه از حیث دور راندن جنگنده‌های دشمن امن بود.

گویا شهید بابایی در زمان شهادتش قرار بود به حج برود، اما نمی‌رود و در کربلای جبهه‌ها شهید می‌شود؟

بله. آن زمان موسم حج بود و همسر شهید پیش از ایشان به حج مشرف شده بودند. شهید صیاد شیرازی و شهید اردستانی هم به عشق حضور شهید بابایی به حج رفته بودند. قرار بود شهید بابایی هم مشرف شود و به همسرشان و همین‌طور شهیدان صیاد شیرازی و اردستانی ملحق شود، اما می‌گوید امام حسین(ع) مراسم حج را نیمه‌کاره رها کرد تا خودش را به کربلا برساند. الان هم جبهه‌های ایران کربلاست و من می‌خواهم به جای رفتن به حج در اینجا بمانم و وظایفم را انجام بدهم. عاقبت نیز ساعت ۱۲ظهر روز ۱۵ مرداد ۱۳۶۶ مصادف با عیدقربان به قربانگاه خود رفت و براثر اصابت گلوله پدافند هوایی در حالی که کابین عقب جنگنده اف۵ نشسته بود و کابین جلو هم آقای نادری حضور داشت، گلوله پدافند به شهید بابایی خورد و ایشان را به شهادت رساند، در حالی که هم جنگنده و هم آقای نادری دقایقی بعد سالم فرود آمدند، گویی آن گلوله مأمور شده بود تا بابایی را شهید کند.

چه مدت قبل از شهادت با ایشان ملاقات داشتید؟

شهید بابایی به عنوان معاون عملیات نیروی هوایی مرتب به این شهر و آن شهر و این پایگاه به آن پایگاه می‌رفت. تقریباً دو هفته قبل از شهادتش بود که به بوشهر آمد و من در پایگاه بوشهر بودم. ایشان به خاطر شهادت یکی از بچه‌ها پیش ما آمده بود. قبل از آن هم به خاطر شهادت علیرضا بی‌طرف به اصفهان رفته بود. تا آنجا که یادم است، بی‌طرف ۳۰ تیر ۶۶ شهید شد. بابایی برای تشییع پیکرش به اصفهان رفت و بعد پیش ما به بوشهر آمد. کمی در بوشهر ماند و بعد سریع به امیدیه و سپس به دزفول رفت. از دزفول هم به تبریز رفت و در همین مأمورت به شهادت رسید. بعد از شهادت ایشان، حضرت آقا یک جمله خاصی را در مورد شهید بابایی گفتند: «ایشان ثمره انقلاب در ارتش بودند.» این جمله مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که بابایی چه جایگاه ویژه‌ای در ارتش و در کل تاریخ انقلاب و دفاع‌مقدس داشت.

خود شما هم تجربه پرواز با شهید بابایی را داشتید؟

بله، ایشان مربی من بود و خیلی از پروازهای آموزشی را با هم انجام می‌دادیم. کابین عقب اف۱۴ فرامین ندارد. یک استاد وقتی که شاگرد به مرحله پرواز می‌رسد، از کابین عقب مرتب از طریق بیسیم او را هدایت می‌کند. شهید بابایی برای اینکه من تجربه‌ام بالاتر برود، هر هواپیمایی که می‌خواست تست کند از من می‌خواست همراهش بروم. بابایی با اینکه معاون عملیات بود، اما در مأموریت‌ها مثل خلبان‌های دیگر شرکت می‌کرد. هیچ وقت نمی‌گفت من فرمانده‌ام. مثل یک خلبان صفر کیلومتر (منظور یک نیروی عادی است) در سخت‌ترین و خطرناک‌ترین عملیات‌ها حاضر می‌شد. شهید بابایی هیچ چشم‌داشتی به مقام و منصب نداشت. زمانی که آقای جلالی وزیر دفاع شد و امیر حسنی سعدی هم فرمانده نیروی زمینی و شهید ستاری فرمانده نیروی هوایی شد، همگی درجه تیمسار گرفتند، ولی بابایی به قدری توانمند بود و به اندازه‌ای گرامی داشته می‌شد که بدون داشتن این جایگاه‌ها مسئولان به ایشان هم درجه تیمسار تمامی دادند.

یک عکسی دیدم برای دوران دفاع‌مقدس که شما در کنار شهید بابایی هستید، این عکس مربوط به چه زمانی است؟

این عکس مربوط به عملیات خیبر است. همان زمان که گفتم هواپیماها را برده بودیم منطقه خیبر و در شط علی این عکس را گرفتیم.

اگر بخواهید تنها یک صفت را به عنوان بارزترین صفت شهید بابایی نام ببرید، آن صفت چیست؟

ایثار بزرگ‌ترین صفت اخلاقی بود که من در این مرد دیدم. خیلی وقت‌ها پیش می‌آمد یک ماه در جبهه می‌ماند، اما وقتی که به تهران می‌آمد به خانه‌شان نمی‌رفت. به او می‌گفتیم چرا به خانه‌تان نمی‌روی و به خانواده سر نمی‌زنی. آنها دلتنگ شما هستند. مدت زیادی از خانه دور بودید. در جواب می‌گفت از خانواده شهدا خجالت می‌کشم. من هستم و دیر یا زود می‌توانم به خانواده‌ام سر بزنم، ولی خانواده‌های شهدا دیگر عزیزان‌شان را نمی‌بینند. از روی تظاهر هم این حرف‌ها را نمی‌زد، بلکه از ته دل و از روی خلوص نیت می‌گفت. یا بسیار پیش می‌آمد که شهید بابایی حقوقش را به افراد نیازمند می‌داد. یک‌بار قرار شد از طرف نیروی هوایی اتومبیلی به قیمت دولتی به ایشان بدهند، نپذیرفت و گفت من لایق گرفتن این اتومبیل نیستم. حواله آن را به یک جانباز دوران انقلاب داد. آن زمان هنوز بنیاد شهید و بنیاد جانبازان و این‌چنین نهادهایی به شکلی که الان هستند، جا نیفتاده بودند. بنابراین بابایی گفت این جانباز ویلچری به اتومبیل بیشتر از من نیاز دارد.

شما شاگرد شهید بابایی بودید و گویا بعدها خودتان استاد خلبان شدید. تا چه سالی در نیروی هوایی خدمت کردید؟

من تا سال ۸۴ در دانشکده خلبانی در اصفهان آموزش انواع جنگنده‌ها را به خلبان‌های جوان‌تر می‌دادم، از اف۱۴ گرفته تا اف۵ و هواپیماهای چینی. خود من یک روزی شاگرد شهید بابایی بودم و بعدها خودم به خلبان‌های نسل‌های بعدی آموزش دادم. یک کسی مثل شهید بابایی می‌آید و کاری را شروع می‌کند که سال‌ها بعد از شهادتش همچنان آن روند ادامه می‌یابد. آدم‌های بزرگ اینچنین هستند و دید بالا و افق وسیعی نسبت به امور مختلف دارند و بابایی هم با آن دید بالایی که داشت به آینده نیروی هوایی نگاه می‌کرد. زمانی که او تصمیم گرفت آموزش اف۱۴ را شروع کند، بعضی از دوستان می‌گفتند که ما خلبان اف۱۴ به اندازه کافی داریم، ولی بابایی می‌گفت ما باید یک مسیر و یک راهی را شروع کنیم که از ثمرات آن، آیندگان نیز استفاده کنند. الان خیلی از دانشجویان خلبانی آموزش‌های خود را مدیون شهید بابایی و اساتیدی هستند که در دل جنگ تحمیلی کلاس‌های آموزشی را دایر کردند و این روند همچنان ادامه دارد.

امیر شهید عباس بابایی ۱۵ مرداد ۶۶ به شهادت رسید

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۰۹۱

از راست به چپ

■ ۱ - مرکز ناحیه خودمختار سیسیل ایتالیا - اثری از شیخ بهایی ■ ۲ - کشتن شتر - سال آذری - بخش بارگیر تریلی - رنج و سختی ■ ۳ - از بت‌ها جاهلی - قالی فرسوده - پرده و پوشش - ورزشی مفید و کم‌هزینه ■ ۴ - مُهر نامه - شهر و تیم فوتبالی در آلمان - گوسفند جنگی ■ ۵ - نوعی خودرو - لباس حمام - دروازه‌بان افسانه‌ای - گلو در گویش تهرانی‌ها ■ ۶ - بدبو - واحد نظامی - ارباب - دودکش ■ ۷ - خسیس - شاخه تازه درخت - ژاپن قدیم ■ ۸ - عنوانی برای حاکم یا فرمانروا در هند - دانشمند دینی - چکاندنی اسلحه ■ ۹ - شهری در فرانسه - از گیاهان گلدار - زهر ■ ۱۰ - دومین مهره گردن - ظاهر ساختمان - غرور - واحد اندازه‌گیری ■ ۱۱ - به سیگار می‌زنند - کارگردان بن‌هور - به دست آوردن - تکنیک ■ ۱۲ - خون بختیاری - دانه تسبیح - حرکت و تکان ■ ۱۳ - پهلوان - اثر چربی روی لباس - جزیره‌ای در جنوب - مکان ■ ۱۴ - گویند طلاست - دوستی - ته‌نشین مایعات - لباس جراحان ■ ۱۵ - از سوغاتی‌های کرمانشاه - مقوی و نیروبخش

از بالا به پایین

■ ۱ - ذات‌الریه - محبوس جزیره سنت هلن ■ ۲ - از غزوات - الفبای ساز - شهری در استان سیستان وبلوچستان - چهره ■ ۳ - از طوایف غیور - آماج و هدف - هزار کیلو ■ ۴ - زنبور عسل - دلیل و برهان - چاه جهنم ■ ۵ - درِ... ببستند خدایا مپسند/که درِ خانه تزویر و ریا بگشایند - کنایه از حق‌نشناس ■ ۶ - انگور سیاه - دفینه - علامت فعل استمراری - دختر ژوپیتر ■ ۷ - پدر نوح نبی - تنبیه و ادب کردن - برجستگی سوهان ■ ۸ - شیمی کربن - خرس آذری - رسولان ■ ۹ - پسوند خوراک - بخیل - خس خس سینه ■ ۱۰ - حقیقت هر چیز - مهره‌ای در شطرنج - ایالتی در کانادا - شهر و دریاچه‌ای در ترکیه ■ ۱۱ - کالانما - فیلم ده‌نمکی ■ ۱۲ - استخوان پا - آخرین سوره - بهره و نصیب ■ ۱۳ - ورق کاغذ - نوعی برنج مرغوب - امر به گفتن ■ ۱۴ - همراه وعید - جذام - سطح دست - موسیقی سیاهان ■ ۱۵ - آشی با خمیر برای مداوای بیمار - مادر کورش

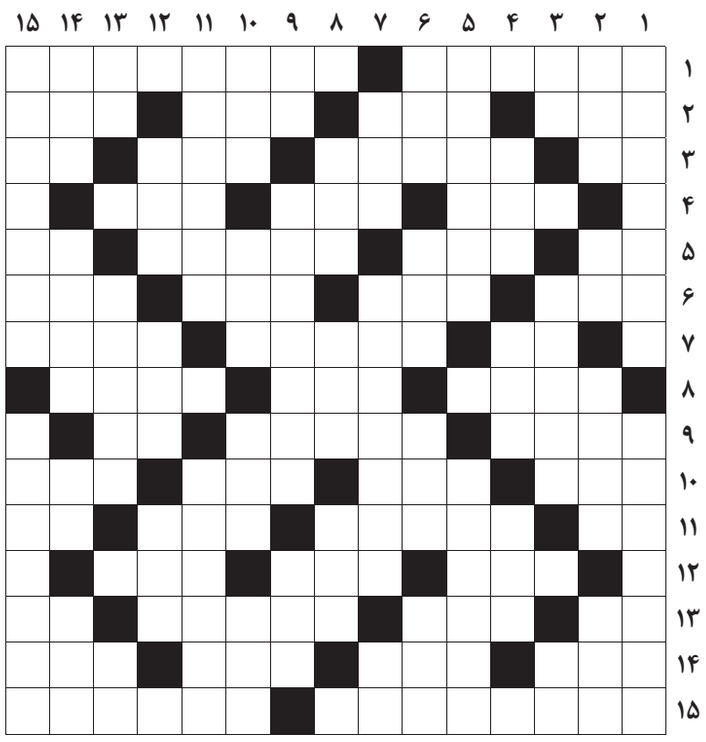

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

		۲					۱	۷
۹	۵	۶						
			۴		۳			
					۵	۲	۹	
			۳					
۷	۸	۵				۴		
						۱	۲	۴
			۶	۹				
۱		۷						۵

جدول کلمات متقاطع
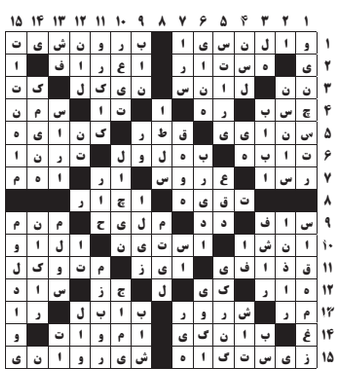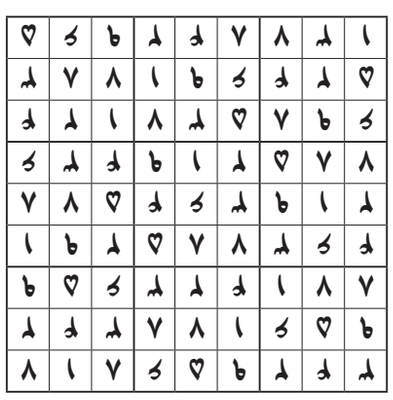
پاسخ جدول شماره ۷۰۹۰